

## انواع

## عهد نامه ها و قرار دادهای بین المللی در قانون اسلام

قراردادها و عهدنامه هایی که در قانون اسلام رسمیت دارد (۱) از نظر دائمی و موقت بودن و همچنین از نظر شخصیت طرف متعاقد و خصوصیت پیمان بچند نوع تقسیم میشود و مادر فقه اسلامی چهار نوع مشخص و متمایز از این قراردادها را سراغ داریم که فقهاء اسلام از خصوصیات و شرایط هر کدام از آنها تحت عنوان عقد «ذمه» و «مهادنه» و «زمام و امان» و «حکمیت» مشروحاً گفتگو نموده اند .

### پیمان با طوائف مذهبی

عهدنامه هایی که بطور رسمی بایکی از پیروان ادیان که مذهب آنها از نظر قانون اسلام برسمیت شناخته شده منعقد شود در اصطلاح فقه اسلامی « پیمان ذمه » نامیده میشود و این پیمان نظر بخصوصیات و امتیازاتی که دارد تنها در مورد ملل و اقوام یهودی و مسیحی و بعقبه بعضی زرتشتیها نیز رسمیت دارد و از جمله مزایای آن اینست که اگر از طرف یکی از طوائف و ملل مزبور پیشنهاد انعقاد پیمان داده شد مسلمین ناگزیر از قبول آن بوده و باید از پیشنهاد آنها استقبال نمایند (۲) .

دیگر از مشخصات این پیمان شرایط و مواد مخصوصی است که بطور حتم باید در متن قرارداد گنجانیده شود . شرایط مزبور از این قرار است :

۱ - طوائف مذکور اگر در محیط اسلامی و قلمرو حکومت مسلمین زندگی میکنند باید تابع احکام و قوانین قضائی و جزائی و نظرات محاکم اسلام باشند باین معنی احکامی که از دادگاه های

(۱) بمقاله قبلی مندرج در شماره ۲ همین مجله مراجعه شود .

(۲) جواهر الکلام کتاب جهاد صفحه ۶۰۴

اسلامی صادر میشود مورد احترام آنها بوده و در صورتیکه یکی از دو طرف دعوا مسلمان باشد طرح شکایت و دعوی در محاکم رسمی اسلامی صورت گیرد مگر آنکه طرفین دعوا از طوائف و ملل مذکور باشند که در اینصورت در انتخاب محاکم صلاحیتدار خود یا مسلمین مختار خواهند بود؛ همچنین اگر مرتکب جرم و یا جنایتی مانند قتل و زنا و شرب خمر شوند بر طبق قوانین جزائی اسلام با آنها رفتار خواهد شد ولی در سایر قوانین مدنی مانند ازدواج و طلاق و تجارت تابع ملت خود خواهند بود.

۲ - بمقتضای این پیمان هر کدام از طوائف و ملل نامبرده موظفند که چیزی بعنوان «جزیه» بمسلمین پرداخت نمایند. جزیه یکنوع مالیاتی است که مسلمین در مقابل آن موظف خواهند بود که از مال و جان و ناموس آنها بتمام قوا دفاع نمایند بدیهیست که حکومت مسلمین در مقابل این تعهدات احتیاج بتقویت نیروهای دفاعی خود بمنظور حفظ امنیت عمومی دارد و جزیه برای تأمین همین منظور گرفته میشود.

پرواضح است که هدف اسلام از قرار دادن جزیه توسعه طلبی و باجگیری و استثمار و استثمار نیست و لذا مشاهده میشود که مقدار معینی برای آن وضع نشده و تشخیص مقدار لازم آن بصلاحدید حکومت اسلامی موکول شده است و تا آنجا هم که این قرارداد در تاریخ اسلام بمورد اجرا گذاشته شده است هیچوقت طاقت فرسا نبوده و حتی در پاره‌ای از موارد بسیار ناچیز و بعضاً بکلی صرف نظر میشده است.

۳ - اهل ذمه (هم پیمانان) باید از هر گونه فعالیتها و اقداماتی که امنیت مسلمین را بخطر میاندازد خودداری نمایند و برون اینگونه اقدامات موجب نقض پیمان میگردد.

۴ - و نیز باید از هر گونه ناسزا و توهین نسبت بمقدسات و عقائد رسمی اسلام خودداری کنند و تظاهرات علنی مذهبی و تبلیغات دینی اگر بمنظور اغفال مسلمین و تحمیل عقیده بر اطفال نابالغ باشد ممنوع است.

باید دانست که نقض یکی از مواد و شرائط مذکور کافیست که پیمان بکلی منتهی گردد گو اینکه شرائط مزبور در متن قرارداد قید نشده باشد. البته فقهاء اسلام بجز مواد مزبور یکسلسله شرائط و مواد دیگری را نیز آورده اند که تنهادر صورت تصویب و رضایت طرفین الزام آور خواهد بود، مانند اینکه اهل ذمه بکسانیکه با مسلمین در حالت جنگند و یادر میان مسلمین جاسوسی میکنند پناه ندهند و خود نیز از جاسوسی و فاش کردن اسرار مسلمین بهر وسیله‌ای که باشد دوری بجویند و مسلمانان را بقتل نرسانند و در مجامع عمومی مسلمین بکارهائیکه در شرع اسلام ممنوع و حرام است تظاهر نمایند و از تجدید بنا معابد و کنیسه‌ها و نواختن ناقوس و

بالا بردن ساختمانهای خود از حد بلندی ساختمانهای مسلمین خود داری نمایند (۱)

پیمان‌نامه ممکنست با طوائف و اقلیتهای مذهبی که در قلمرو مسلمین زندگی میکنند و یا با ملل همجوار و غیره که رسماً از آئین یهود و یا مسیحیت و مجوسیت پیروی می‌نمایند منعقد گردد بدیهیست که شرایط و مواد پیمان‌نامه در دو مورد مذکور بجز شرایط و جهات مشترکی که ذکر شد در سایر مواد و شرایط بر طبق مقتضیات و مصالح طرفین فرق میکند و تشخیص آن موکول بتصویب طرفین و نظر حکومت اسلام است .

### پیمان صلح یا مه‌ادنه

«مه‌ادنه» عبارت از پیمان و قرارداد است که بعنوان متارکه جنگ و برقراری صلح بین مسلمانان و سایر ملل متخاصم منعقد میگردد و این پیمان اختصاص بیک یا چند ملت معین ندارد و انعقاد آن از طرف مسلمین با هر ملت و قومی جایز است .

از جمله مشخصات این پیمان اینست که پیمان مزبور در صورتیکه ملل متعاهد از اهل کتاب (یهودی و مسیحی و مجوسی) نباشند نمیتواند بطور دائمی باشد و حتماً باید برای مدت معین و محدودی منعقد گردد (۲) و در باره حدنهایی مدت «مه‌ادنه» بین فقهاء اسلام اختلاف نظر وجود دارد عده‌ای حدنهایی را بده سال و عده دیگر آنرا بیکسال و بعضی بچهار ماه محدود نموده - اندولی عده‌ای دیگر از فقها عقیده دارند تعیین مدت مه‌ادنه موکول بنظر و صلاحدید امام و حاکم مسلمین می‌باشد و اگر در عهدنامه حدبینه مدت پیمان ۱۰ سال معین شده بود بجهت مصالح و مقتضیات آن روز بوده و منظور از آن تعیین حد نهایی مدت مه‌ادنه نبوده است .

در اینجا تذکر این نکته لازم است که انعقاد قرارداد صلح صرفاً منوط بمصلحت و منافع و مقتضیات جامعه مسلمین میباشد و بدون در نظر گرفتن این موضوع انعقاد آن صحیح نخواهد بود و همینطور اگر مصالح مسلمین انعقاد آنرا ایجاب کند اقدام بان نیز واجب خواهد شد .

در قرارداد «صلح» شرایط و جهات مالی لازم نیست و بدون در نظر گرفتن این موضوع نیز قابل انعقاد میباشد چنانکه در قرارداد صلح «حدبینه» سخنی از شرایط مالی در میان نیامده است .

### پیمان امان

قرارداد «ذمام» یا تأمین باین ترتیب است که یک فرد عادی از مسلمین و یا پیشوای مسلمین

(۱) جواهر الکلام کتاب جهاد صفحه ۵۹۹

(۲) مگر آنکه اختیار تقض و فسخ پیمان برای پیشوای مسلمین و یا یکی از طرفین در

متن قرارداد قید شود

و یا نماینده او بیکفرد و یا جمعی از بیگانگان که پیمان دیگری با مسلمین ندارند امان میدهد و بر حسب آن تمام حقوق آن فرد و یا آن جمعیت تضمین میگردد .

امان ممکنست بطور رسمی و ابتدائی باشد بدین ترتیب که پیشوای مسلمین و یا نماینده خاص او بدون اینکه درخواست امانی بشود بیکمده و یا بساکنین یک سرزمینی امان میدهد و این قرارداد به وسیله ای که اصل قرارداد را بیهمانند منعقد میشود در آن تلفظ بیک لفظ و یا زبان و یا نوشتن لازم نیست و حتی با اشاره هم اگر ممکن باشد میتوان این عقد را انشاء نمود . همانطوریکه اشاره شد قرارداد امان را هر فرد عادی مسلمانی میتواند منعقد سازد و در آن بین زن و مرد فرقی نیست (۱) نهایت آنکه باید بالغ و عاقل باشد و هنگامیکه یکچنین پیمانی گویند که از طرف پستترین افراد مسلمین منعقد شود ضمانت و فاء آن بعهده عموم مسلمین است و باید حتی پیشوای مسلمین نیز بآن بدیده احترام بنگرد .

رسول اکرم فرمود : « المؤمنون بعضهم اکفاء بعض ، تنكفؤد ما همم و یسعی بذمتهم ادناهم » (۲) .

مؤمنین همه نسبت بیکدیگر کفو و برابر هستند و خونهای آنها مثلهم است و پستترین و کوچکترین آنها میتوانند کسی را بدیده و امان آنان وارد نمایند .

کسانیکه امان گرفته اند تا مدتیکه در امان مسلمین هستند مال و جان و نام و وس آنها از طرف مسلمین تضمین میشود و حتی اگر بیکفرد غیر مسلمانیکه با مسلمین پیمانی در میان ندارد بگمان اینکه بوی از طرف مسلمانان امان داده شده است وارد خاک مسلمین گردد مانند آنکه بیگانه مزبور از مسلمانی امان بطلبد و جواب منفی او را مثبت انگارد در اینصورت مسلمین موظفند که ویرا سلامت بوطن خویش بازگردانند (۳)

(۱) در فتح مکه امهانی بعهده ای از خویشاوندان خود امان داد و زینب دختر پیغمبر اکرم نیز بعاص بن ربیع امان داد و پیغمبر اکرم امان هر دو را محترم شمرده و با افرادی که امان داده بودند آزادی بخشید .

(۲) جواهر کتاب جهاد صفحه ۵۶۵ . قسمت اخیر حدیث در ضمن خطبه معروف مسجد «خیف» نیز که مرحوم کلینی آنرا در کافی آورده است نقل شده .

(۳) بعضی از نویسندگان این نوع امان را بمنزله گذرنامه ای محسوب داشته اند که بر طبق آن بیکفرد بیگانه میتواند از مرز گذشته وارد خاک مسلمین و قلمرو حکومت آنان گردد و بر اثر همین نوع گذرنامه است که بیگانگان رسماً اجازه داده میشود که با مسلمین روابط بازرگانی داشته و در کمال امنیت با مسلمین روابط آزاد و مسالمت آمیزی داشته باشند .

باید دانست که قرارداد امان، اگر از طرف پیشوای مسلمین و یا نماینده خاص او باشد ممکنست درباره جمعیت کثیری از اجنبیان و حتی در مورد ساکنین یک سرزمین نیز اجرا شود ولی اگر قرار داد از طرف افراد عادی مسلمین انجام گیرد حداکثر درباره ده نفر بیگانه رسمیت خواهد داشت و اما در رسمیت قرارداد مزبور درباره بیشتر از تعداد مذکور میان فقها اختلاف است و عده‌ای از فقها امان دادن یکفر دعای مسلمان را باهالی یکده و یا افرادی که قافله بیگانه لازم الوفاء شمرده‌اند (۱)

فرودیا جمعیتی که با آنها امان داده شده اگر بوطن خویش بازگردند دیگر در تضمین مسلمین نخواهند بود ولی اموالشان همچنان در تحت حفاظت مسلمین باقی میماند مگر آنکه پس از خروج از امان مسلمین کشته و یا فوت شوند و همچنین اگر آنها در حالیکه امان دارند فوت شوند در این صورت اموالشان به حکومت اسلام تعلق خواهد گرفت (۲)

### مرجع رسمی و صلاحیتدار بین المللی

در روابط خارجی ملل ممکنست توافقی حاصل شود که برای حل اختلافات بیک مرجع ثالث مراجعه شده و بر طبق تشخیص و قضاوت آن عمل نمایند. این نوع قرارداد در تاریخ قبل از اسلام نیز میان ملل و طوائف مختلف و از جمله عربها رسمیت داشته است. آئین اسلام نیز که از هر وسیله مفیدی برای تأمین صلح استفاده و استقبال مینمود سیستم قرارداد مزبور را پس از اصلاحات لازم بر رسمیت شناخت و روی همین اصل بود که پس از سوگند «بنی قریظه» نسبت بجهان پیغمبر اسلام سعد بن معاذ از طرف بنی قریظه برای حکمیت و داوری انتخاب و مورد تصویب پیغمبر اکرم قرار گرفت و بر طبق داوری وی با یهودیان خیانتکار بنی قریظه رفتار شد (۳).

باید دانست که از نظر قانون اسلام شخص و یا اشخاصیکه برای یکچنین مقام حساس انتخاب میشوند وقتی رسمیت خواهند داشت که بجز شرایط سنی و رشد فکری و اجد شرائط عدالت نیز باشند، اسلام بر رسمیت دادن باین سیستم از قرار دادهای بین المللی در حقیقت تشکیل یک مرجع صلاحیتدار بین المللی را که بتواند ضامن صلح در میان جامعه‌ها و ملل بوده و حل و فصل امور و اختلافات را در روابط ملل تأمین نماید پیش بینی نموده و شالوده و اساس یک سازمان مجهز و صلاحیتدار بین المللی را ولی با شرایط فوق از نظر تئوری و فکری طرح و بجامعه بشری عرضه داشته است. البته در جائیکه افراد متعددی برای حکمیت و داوری انتخاب میشوند باید در حکم و قضاوتی که میکنند اتفاق رأی داشته باشند حتی اگر یکی از اعضاء نمایندگی مزبور قبل از داوری بمیرد حکم بقیه رسمیت نخواهد داشت و حکم اکثریت قاطع بمیباشد.

(۱) جواهر کتاب جهاد صفحه ۵۶۵.

(۲) جواهر صفحه ۵۶۷.

(۳) به سیره ابن هشام ج ۲ صفحه ۶۸۸ مراجعه شود.